



میناشمفی*

مریم شریفی**

چکیده

قرآن و عترت دو رکن اساسی اسلام و همراه با یکدیگرند و تمسک به هر یک بدون دیگری نادرست و ناتمام به شمار می آید. در واقع تنها ائمه (ع) هستند که به تعلیم الهی، از معارف و علوم قرآن آگاهند و به بطون این کتاب عظیم آسمانی عالمند. امام باقر (ع) یکی از این منظومه نورانی، از مصادیق قرآن ناطق است. در بیانات ایشان جلوه‌های مختلفی از این کتاب آسمانی بیان شده است. در این مقاله با بررسی سخنان نورانی این امام همام در زمینه قرائت قرآن، فهم و یا عمل به آن و... مشخص می شود که فراگیری قرآن و معرفت به آن در نظرایشان جایگاه خاصی داشته به حدی که مسلمانان را ملزم به رعایت حق قرآن می نمایند. البته قابل ذکر است که این مقاله بازگو کننده بخشی از بیانات امام باقر (ع) است. امید است که این اثر برای اهل تحقیق دری برای ورود به علوم اهل بیت (ع) و برای اهل حال و عمل شربایی از زمزم معارف اهل بیت (ع) باشد.

کلید واژه: امام باقر (ع)، حق قرآن، قرائت، فهم، عمل، اعجاز.

*. دکترای علوم قرآن و حدیث و استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

** . کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

قرآن نمونه کامل آمیختگی اعجاز تکوین و تشریح است. کتابی است که بشریت توان آوردن همانندی برای آن نداشته و دستورات و جامعیت آن، هر اندیشمند حکیم را به خضوع و ستایش وامی‌دارد. هر قدر انسان‌ها از صفای روحی و طهارت معنوی بهره‌مند باشند، می‌توانند جلوه‌هایی از جمال دلربایش را شهود کنند همان‌سان که قرآن می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (الواقعه، ۵۶، ۷۹)؛ و جز پاکان نمی‌توانند آن را مس کنند. از آنجا که خاندان عصمت و وحی برگزیدگانی هستند که طبق آیه تطهیر در اوج پاکی و قداست قرار گرفته و از هر گونه پلیدی بدورند، تمام جانشان مستغرق در قرآن مجید شده و شایسته‌ترین انسان‌هایی می‌باشند که تفسیر روشن آیات الهی را فرا راه تشنگان حقیقت قرار می‌دهند. البته همتایی با قرآن، از ویژگی‌های بارز امامان است که پیغمبر اکرم (ص) در حدیث متواتر ثقلین، جدایی ناپذیری آن دو را بیان کرده بود. سعد اسکافی می‌گوید: از حضرت امام باقر (ع) درباره این سخن پیامبر (ص) پرسیدم که: «من در میان شما دو امانت گران بها به یادگار می‌نهم؛ پس به آن دو تمسک کنید که هرگز از یکدیگر جدا نشوند تا کنار حوض کوثر نزد من آیند» حضرت فرمود: «همواره راهنمایی از ما بر کتاب خدا رهنمون می‌شود تا بر حوض کوثر وارد آیند». یکی از این منظومه نورانی، امام باقر (ع) است که مالک بن اعین جهنی در تمجید آن حضرت می‌گوید:

اذا طلب الناس علم القرآن
وان قيل اين بن بنت النبي
نجوم تهلل للمد لجين
كانت قریش عليه عيالاً
نلت بذاک فروعاً طوالاً
جبال تورث علماً حبالاً؛

«هرگاه مردم به کسب دانش قرآن پردازند، قریشیان جیره خوار - سفره علم - امام باقر (ع) هستند، و اگر گفته شود پسر دختر پیامبر (ص) در کجاست؟ با این جستجو به شاخه‌های بلند علم و دین که وجود امام باقر (ع) سرشار از آن است دست یافته‌ای، شاخه‌هایی به بلندای ستارگانی که نوربخش روندگان شب هستند و به بلندای کوههایی که دانش بسیار از آنها سرازیر گردد».^۱

در میان فرزندان امام حسن و امام حسین (ع) از هیچ کس مانند امام باقر (ع) علم دین، آثار، روایات، علوم قرآن و انواع فنون و آداب، آشکار نشد. بیانات امام باقر (ع) در خصوص قرآن فراوان است، البته در این مقاله هدف بررسی کامل این بیانات گهربار نیست و مجالی

بیشتر را می‌طلبد. در این جا از بین موضوعات مربوط به قرآن در کلام امام باقر(ع) به سه محور آن یعنی رعایت حق قرآن، اعجاز و سلامت آن از تحریف و مجاز در قرآن اشاره می‌شود. ابتدا به محور اول یعنی رعایت حق قرآن که یکی از موضوعات مهم در سخنان امام باقر(ع) است و غالب بحث را تشکیل می‌دهد می‌پردازیم.

الف: رعایت حق قرآن

از آیات و روایات استفاده می‌شود که مسلمانان نسبت به کتاب الهی، دارای سه وظیفه مهم هستند: ۱. قرائت قرآن. ۲. فهم قرآن. ۳. عمل به قرآن. و این سه وظیفه از آیه ۱۲۱ سوره بقره و آیاتی مشابه آن به طور صریح استفاده می‌شود: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (البقرة، ۱۲۱/۲)؛ کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، آن را به طوری که شایسته آن است [با تدبیر و به قصد عمل کردن] می‌خوانند؛ آنانند که به آن ایمان می‌آورند و کسانی که به آن کفر می‌ورزند آنانند که زیان‌کارند. ۲.

قرائت قرآن:

تلاوت و پیروی اخص از قرائت و خواندن است. پس هر تلاوتی، قرائت است ولی هر خواندن و قرائت تلاوت نیست. راغب اصفهانی، در کتاب مفردات خود در توضیح معنای لغت «تلو» می‌گوید: یعنی به طوری از او پیروی کرد که میان‌شان چیز دیگری حائل نبود - پیروی و متابعت بدون حائل و واسطه - این گونه پیروی، گاهی متابعت جسمی است و گاه با اقتدا و فرمانبری در حکم، که مصدرش تلو و تلو است و گاهی نیز پیروی و پیایی خواندن و تدبیر و اندیشه است که مصدرش «تلاوت» است. و سپس آیاتی را ذکر می‌کند که از آن آیات، لزوم قرائت و وجوب فهم استفاده می‌شود که به جهت اختصار به نمونه ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» (آل عمران، ۱۱۳/۳)؛ آنها همه یکسان نیستند، از اهل کتاب جمعیتی هستند که قیام - به حق و ایمان - می‌کنند و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را می‌خوانند در حالی که سجده می‌کنند.

واژه «تلاوت» مخصوص پیروی کردن آیات نازل شده الهی است که گاهی با قرائت

آنها و زمانی با فرمانبرداری از محتویات آنها است مانند امر و نهی و ترغیب و باز ایستادن یا هر چیز که از معانی این احکام بیان شود، زیرا تلاوت و پیروی اخص از قرائت و خواندن آنهاست پس هر تلاوتی، قرائت است و هر خواندن و قرائتی تلاوت نیست. مثلاً در خواندن نامه نمی گویند- تلاوت رفعتک- ولی در قرآن چیزی را که قرائت می کنی پیروی از آن واجب است. ۳ البته راغب موارد دیگر را هم ذکر نموده است که تلاوت در آیات به معنی قرائت و خواندن است. ۴

تلاوت عامل ایمان، تحقق اعتقاد پاک در قلب، اخلاق حسنه در نفس و عمل صالح در اعضای آدمی است.

تلاوت کننده قرآن به چهار بهره فوق العاده خواهد رسید: ۱. عزت بی ذلت ۲. غنای بی فقر ۳. علم بی جهل ۴. حیات بی موت. ۵

از این مطلب می توان دریافت که قرائت قرآن تا چه اندازه مفید و مثمر ثمر است. به همین دلیل اهل بیت (ع) عنایت خاصی به تلاوت قرآن کریم داشتند. بسیاری از ائمه اطهار (ع)، از جمله حضرت امام باقر (ع) روایات فراوانی درباره قرائت قرآن به شکل زیبا، سکوت به هنگام قرائت، فضایل قرائت قرآن و توجه به قرائت اصلی آن نقل کرده اند که اهمیت موضوع را نشان می دهد و در ذیل به آن ها پرداخته می شود.

۱. قرائت واقعی قرآن: اگر چه موضوع قرائت قرآن از نظر امام باقر (ع) خیلی با اهمیت است، اما باید توجه داشت که قرائت صحیح و مشهور نزد مسلمانان مورد نظر می باشد، نه هر قرائتی. گروهی از دانشمندان اهل سنت و شیعه بر اساس مفاد روایت «نزل القرآن علی سبعة احرف» قرائت سبع را متواتر و معتبر دانسته اند. مشهور بین این گروه نزول قرآن بر هفت حرف می باشد و استناد آن ها به روایتی از امام باقر (ع) است که می فرماید: «تفسیر القرآن علی سبعة احرف، منه ما كان ومنه ما لم يكن بعد تعرفه الأئمة»^۶؛ تفسیر قرآن بر هفت حرف است، برخی از آن واقع شده و برخی از آن هنوز واقع نشده و ائمه آن را می دانند. این مطلب بر خلاف روایات متعددی است که قرآن را دارای قرائت واحد و نازل شده از سوی خداوند واحد می داند. در روایاتی از اهل بیت (ع) قرائت واقعی قرآن یکی ذکر شده است و منشاء اختلاف قرائت از سوی قاریان معرفی شده است: عن زرارة عن ابي جعفر (ع) قال: «إن القرآن واحد نزل من عند واحد، ولكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة»^۷؛ قرآن

یکی است و از سوی خداوند یگانه نازل شده است، ولی اختلاف قرائات از سوی روات حاصل شده است.^۸

ویا فضیل بن یسار می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم مردم می گویند: قرآن باهفت حرف نازل شده است! فرمود: دشمنان خدا دروغ می گویند. قرآن با یک حرف واحد از پیشگاه خدای واحد فرود آمده است.^۹

روایت امام باقر(ع) از سلسله سند والایی برخوردار است. زیرا که سه نفر از اصحاب اجماع در سلسله آن هستند و دیگرانی که هم در سلسله سند قرار گرفته اند، امامی و موثق و معتبر شناخته شده اند. روایت مذکور، ضمن این که از سلسله سند کوتاهی برخوردار است و خود مزیتی به شمار می رود از راویان معتبر برخوردار و در شمار روایات عالی السند می باشد.^{۱۰} نزد شیعه فصل الخطاب بحث سبعة احرف می باشد؛ یعنی بدون هیچ گونه تردیدی، باید معتقد شد که الفاظ قرآن واحد و دارای نص واحد است و قرآن بر حرف واحد می باشد، و اگر اختلافی در قرائت، مشاهده می شود، ربطی به نزول قرآن و پیامبر(ص) نداشته به راویان و قاریان آن بازمی گردد.^{۱۱} دیدگاه تواتر نزول قرآن بر هفت حرف از سوی محققان پذیرفتنی نیست که بررسی و نقد آن در مجال این نوشتار نمی گنجد. از آن چه گذشت، روشن شد که روایت نورانی امام باقر(ع)، با توجه به صحت سندی و دلالت روشن آن در تکذیب سبعة احرف و این که قرآن بر حرف واحد است، تأکید دارد. از میان قرائت های مختلف قرآن، تنها یک قرائت صحیح است که قاری قرآن لازم است به آن توجه کرده و مفسر باید آن را نخستین گام در فهم قرآن و دستیابی به مراد خداوند قرار دهد. با توجه به اینکه قرآن کریم حقیقت ثابت و مستقل از همه قرائات است، باید به دنبال قرائت صحیح و واقعی بود و آن نیز قرائتی است که با آنچه بر پیامبر اکرم نازل شده است و بر مردم تلاوت کرده، مطابقت داشته باشد.

۲. ضرورت تلاوت زیبای قرآن: تلاوت قرآن با لحن و صوت زیبا در اعماق قلب و بینش روح نفوذ کرده و با احساسات عجین می شود. اهل بیت(ع) عنایت خاصی به تلاوت قرآن کریم داشتند. در حدیث، درباره بسیاری از ائمه اطهار(ع)، از جمله راجع به حضرت باقر(ع) و حضرت سجاد(ع) داریم که اینها وقتی قرآن می خواندند آن را با صدا و آهنگ بلند و دلپذیر می خواندند به طوری که صدایشان به درون کوچه می رسید و هر کسی که از آن

کوچه می گذشت، همانجا می ایستاد به طوری که در مدتی که امام (ع) در خانه خودش قرآن را با آهنگ لطیف و زیبا قرائت می کرد پشت در خانه جمعیت جمع می شد و راه بند می آمد. حتی نوشته اند: آبکشها ۱۲ که زیاد هم بودند در حالی که مشک به دوششان بود، وقتی می آمدند از جلوی منزل امام (ع) عبور کنند، با شنیدن صدای امام، پاهایشان قدرت رفتن را از دست می داد و با همان بار سنگین مشک پر از آب بر دوش می ایستادند که صدای قرآن را بشنوند تا وقتی که قرآن امام تمام می شد. بنابراین امام قرآن را با آهنگ بسیار زیبا و لطیف می خواند زیرا می خواست قرآن را به این وسیله به مردم رسانده باشد. ۱۳

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» (المزمل، ۴/۷۳)؛ قرآن را شمرده و با تأمل بخوان. لذا امام باقر (ع) که خود خوش صداترین مردم در قرائت قرآن بود به تلاوت قرآن با خشوع و صدای زیبایی که شایسته قداست قرآن کریم باشد ترغیب و تشویق نموده و در جواب ابی بصیر که درباره بالا بردن صدا سؤال می کند می فرماید: «بأن يتوسط فی القراءة بین الاخفات والاصیاح بأن یسمع أهل بیته»، ثم یقول: «و رجع بالقرآن صوتک فإن الله یحب الصوت الحسن یرجع فیه ترجیعا»؛ در قرائت، نه صدا را بسیار بالا برد و نه بسیار کم کند بلکه باید میانه روی کند تا خانواده اش بشنوند و سپس می فرماید: قرآن را با صوت و آهنگ بخوان زیرا خداوند صوتی که با آهنگ بر می خیزد را دوست دارد. از کلام امام باقر (ع) می توان درک نمود که صوت زیبا باعث روانه شدن قلب و روان به سمت قرآن می شود. ۱۴ زید بن علی گوید: خدمت حضرت باقر (ع) رفتم از «بسم الله الرحمن الرحیم» سخن می گفت. پس فرمود: «می دانی درباره چه چیزی نازل شده؟» گفتم: نه. فرمود: «صدای پیامبر در خواندن قرآن، از همه مردم بهتر بود و نماز را در پیش کعبه با صدای بلند می خواند، عتبه و شیبیه فرزندان ربیع و أبوجهل، و گروهی دیگر از مشرکان، به قرائت پیامبر گوش می دادند و حضرت «بسم الله الرحمن الرحیم» را بسیار تکرار می کرد و با صدای بلند می خواند مشرکان می گفتند: محمد (ص) بسیار نام خدای خویش را تکرار می کند و به کسانی که در آنجا بودند، توصیه می کردند که وقتی از «بسم الله الرحمن الرحیم» گذشت ما را خبر ده تا به قرائت او گوش دهیم لذا خداوند این آیه را نازل فرمود که: «و چون پروردگارت را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند» و مشرکان به خواندن پیامبر گوش فرا می دادند و هنگامی که «بسم الله الرحمن الرحیم» را می خواند، با ناراحتی می رفتند و چون آن را به پایان می برد، مراجعت کرده و گوش فرا می دادند. ۱۵ در روایتی دیگر آمده است امام

باقر(ع) در نماز خود قرآن می خواند تا این که غش کرد، وقتی به هوش آمد سؤال کردند، چه چیزی سبب غش کردن شما شد؟ آن حضرت فرمود: «من آن قدر آیات قرآن را تکرار کردم، تا حالی به من دست داد که گویی آن آیات را از زبان کسی می شنوم که آن را نازل کرده است»^{۱۶}. در واقع از این احادیث می توان برداشت نمود که صوت و لحن زیبا چنان در جذب افراد مؤثر است که حتی دشمنان پیامبر (ص) با وجود دشمنی با او چگونه از شنیدن قرائت قرآن لذت می برند، و این معلول آهنگ و صدای زیباست.

۳. سکوت به هنگام شنیدن آیات قرآن: هنگامی که قرآن خوانده می شود، باید سکوت نمود و از صحبت کردن پرهیز نمود و به آیات قرآن با دل و جان، گوش فرا داد: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (الأعراف، ۲۰۴/۷)؛ هنگامی که قرآن خوانده شود گوش فرا دهید و خاموش باشید تا مشمول رحمت خدا شوید.

استماع و سکوت به هنگام شنیدن آیات قرآن کار بسیار شایسته ای است ولی به طور کلی واجب نیست، ولی علاوه بر اجماع، روایات نیز اشاره به مستحب بودن این حکم می کند. تنها موردی که این حکم الهی شکل وجوب به خود می گیرد موقع نماز جماعت است که ماموم به هنگام شنیدن قرائت امام باید سکوت کند و گوش فرا دهد، حتی جمعی از فقها این آیه را دلیل بر سقوط قرائت حمد و سوره از ماموم دانسته اند.^{۱۷} از جمله روایاتی که دلالت بر این حکم دارد حدیثی است که از امام باقر(ع) نقل شده که فرمود: «و اذا قرء القرآن فی الفریضة خلف الامام فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون»^{۱۸}؛ هنگامی که قرآن در نماز فریضه و پشت سر امام خوانده می شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید شاید مشمول رحمت الهی شوید. بنابراین همان گونه که در آیه فوق آمد، سکوت و گوش سپردن به قرآن، زمینه برخورداری از رحمت الهی برای انسان فراهم می کند.

سکوت در موارد مستحب نشانه ادب است. اگر فرمان سکوت هم نبود، خرد و ادب اقتضا می کرد که در برابر کلام خالق، سکوت کنیم.^{۱۹} عده ای چنان قرآن را می خوانند که با آن انس می گیرند و جزئی از برنامه عملی آن ها می شود. امام باقر(ع) در این زمینه می فرماید: «قراء القرآن ثلاثة: رجل قرأ القرآن فاتخذة بضاعة واستدر به الملوک واستطال به علی الناس ورجل قرأ القرآن فحفظ حروفه وضيع حدوده وأقامه إقامة القدرح فلا كثر الله هؤلاء من حملة القرآن ورجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن علی داء قلبه فأسهر به ليله وأظمأ به نهاره

وقام به فی مساجده و تجافی به عن فراشه فبأولئك يدفع الله العزيز الجبار البلاء وبأولئك يديل الله عز وجل من الأعداء وبأولئك ينزل الله عز وجل الغيث من السماء فوالله لهؤلاء في قراء القرآن أعز من الكبريت الأحمر»^{۲۰}؛ قاریان قرآن سه گروه می باشند: گروهی قرآن را وسیله کسب و کار و معاش خود دانسته و بر مردم تحمیل می شوند، گروهی که تنها قرآن را به زبان دارند و در عمل، احکامش را رعایت نمی کنند و گروهی که قرآن را تلاوت کرده و دواي درد خود می دانند و همواره باقرآن مأنوسند، خداوند به واسطه این افراد عذاب را دفع کرده و به خاطر آنان باران نازل می کند و اینان افرادی نادر هستند.^{۲۱}

۴. آثار و رهاوردهای قرائت قرآن: روایات فراوانی در فضیلت قرآن و عظمت و ثواب قرائت آن از وجود مقدس امامان (ع) نقل شده است. از جمله روایات مفصلی از امام باقر (ع) در این خصوص وارد شده است. به طور کلی این روایت ها در باب قرائت قرآن در مکان های خاص، مقدار قرائت قرآن، قرائت قرآن در نماز، قرائت سوره ها و... آمده است که در ذیل به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

الف: قرائت قرآن در مکه: یکی از توفیقاتی که در زندگی نصیب انسان می شود، گشودن کتاب خدا و ختم آن است، به خصوص اگر این توفیق در خانه خدا نصیب انسان شود و این بسی بهتر است. خالد بن مارد فلانسی از ابی حمزه از امام باقر (ع) نقل کرده است که فرمود: «من ختم القرآن بمكة من جمعة الى جمعة أو أقل من ذلك، أو أكثر، و ختمه فی يوم الجمعة كتب الله له من الأجر و الحسنات من أول جمعة كانت فی الدنيا إلى آخر جمعة تكون فيها، و إن ختمه فی سائر الأيام فکذلک»^{۲۲}؛ کسی که در مکه از یک جمعه تا جمعه دیگر، قرآنی ختم کند یا کمتر یا بیشتر از آن، ولی پایانش در روز جمعه باشد، خداوند برایش از اولین جمعه ای که در دنیا بود تا آخرین جمعه ای که در دنیا خواهد آمد، پاداش و حسنه می نویسد، و اگر در سایر روزها نیز قرآن را ختم نماید، این چنین خواهد بود.

ب: مقدار تلاوت قرآن: پیامبر اکرم (ص) در اولین آیاتی که بر وی نازل شد، مأمور قرائت آیات الهی شد و در دستور دیگری، خداوند به پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان در قسمتی از آیه می فرماید: «فأقرءوا ما نيسر من القرآن» (المزمل، ۲۰/۷۳)؛ آن مقدار از قرآن که برای شما میسر است تلاوت کنید.

عن الباقر(ع) أنه قال: «قال رسول الله (ص): من قرأ عشر آيات في ليلة لم يكتب من الغافلين، و من قرأ خمسين آية كتب من الذاكرين، و من قرأ مائة آية كتب من القانتين، و من قرأ مائتي آية كتب من الخاشعين، و من قرأ ثلاثمائة آية كتب من الفائزين، و من قرأ خمسمائة آية كتب من المجتهدين، و من قرأ ألف آية كتبه قنطار من تبر»^{۲۳}؛ امام باقر(ع) نقل می نماید که رسول خدا(ص) فرمودند: کسی که در شب ده آیه بخواند، از غافلین نوشته نمی شود. و کسی که پنجاه آیه بخواند، از ذکر گویندگان نوشته می شود. و کسی که دویست آیه بخواند، از خاشعین نوشته می شود. و کسی که سیصد آیه بخواند، از رستگاران نوشته می شود. و کسی که پانصد آیه بخواند، از کوشش کنندگان نوشته می شود. و کسی که هزار آیه را بخواند، از یک قنطار برای او نوشته می شود. که هر قنطاری پانصد هزار مثقال طلاست. هر مثقال بیست و چهار قیراط است و کوچک ترین قیراط به اندازه کوه احد و بزرگ ترین آن به اندازه وسعت ما بین زمین و آسمان است.

با نگاه اول به این حدیث، تنها کمیّت قرائت فهمیده می شود اما با نگاهی عمیق تر این مطلب روشن می شود که هدف امام(ع) از ایراد این حدیث، قرائت بیشتر به همراه فهم بیشتر است.

ج: قرائت قرآن در نماز یا غیر آن: قرائت قرآن در حالت معمولی ثواب خاص خود را دارد چه برسد به این که در حالت نماز باشد که ثواب آن مضاعف خواهد بود. عبد الله بن سلیمان از حضرت امام باقر(ع) روایت کرده است که فرمود: «من قرأ القرآن قائماً فی صلاته كتب الله له بكلّ حرف مائة حسنة، و من قرأه فی صلاته جالساً كتب الله له بكلّ حرف خمسين حسنة، و من قرأه من غیر الصلاة كتب الله بكلّ حرف عشر حسنات»^{۲۴}؛ هر کس که قرآن را در حال ایستاده، در نمازش قرائت کند، خداوند در برابر هر حرف، یکصد حسنه می نویسد. و هر کس در حال نشسته، در نماز، قرآن تلاوت نماید، خداوند در برابر هر حرف، پنجاه حسنه برایش می نویسد و هر که در غیر نماز آن از تلاوت نماید، در برابر هر حرف، ده حسنه برایش خواهد نوشت.

د: قرائت سوره های خاص: امام باقر(ع) در بیانات ارزشمند خویش اهمیت قرائت برخی از سوره های قرآن کریم را متذکر شده اند که برخی از آن ها را یاد آور می شویم:

قرائت سوره اسراء و كهف: در فضیلت قرائت این دو سوره از امام باقر(ع) منقول است که فرمود: «هر کس که سوره بنی اسرائیل - اسراء - را در هر شب جمعه بخواند تا حضرت قائم(عج) را ندیده نمی میرد و با آن حضرت خواهد بود و هر کس که در هر شب جمعه سوره

کَهِفَ رَابِخَوَانِدَ نَمِي مِيرِدَ مَگَرِ بَا شَهَادَتِ وَ خَدَاوَنِدَ مَتَعَالِ اُو رَا بَا شَهَادَا مَبْعُوْثِ مِي نَمَائِدِ. ۲۵.
قِرَائَتِ سُوْرَةِ فُلُقِ، نَاسِ وَ تَوْحِيْدِ: اَز اَن حَضْرَتِ نَقْلِ شُدِه اَسْت كَسِي كِه دَر نَمَازِ وَتَرِ،
مَعُوْذِيْنِ - فُلُقِ وَ نَاسِ - وَ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» رَا بَخَوَانِدِ، بِه اُو كَفْتِه مِي شُوْد: «اِي بَنْدِه خَدَا!
تُو رَا بَشَارَتِ بَاد كِه - نَمَازِ - وَتَرْتِ قَبُوْلِ گَرْدِيْدِ». ۲۶.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ طُوْرِ: دَر حَدِيْثِي اَز اِمَامِ بَاقِرِ(ع) مِي خَوَانِيْمِ: «كَسِي كِه سُوْرَةَ طُوْرِ رَا تَلَاوَتِ
كَنْد خَدَاوَنِدَ خِيْرِ دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ رَا بَرَايِ اُو جَمْعِ مِي كَنْد. رُوْشَنِ اَسْت كِه اَيْنِ هَمِه اَجْرِ وَ
پَاْدَاشِ عَظِيْمِ دَر دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ اَز اَن كَسَانِي اَسْت كِه اَيْنِ تَلَاوَتِ رَا وَسِيْلَه اِي بَرَايِ تَفْكَرِ وَ اَن
رَا نِيْزِ بِه نُوْبِه خُوْدِ وَسِيْلَه اِي دَر رَاهِ عَمَلِ قَرَارِ دَهَنْدِ». ۲۷.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ صَفِ: اِمَامِ بَاقِرِ(ع) فَرْمُوْدَنْد: «كَسِي كِه سُوْرَةَ صَفِ رَا بَخَوَانِدِ وَ دَر نَمَازِ هَايِ
وَاجِبِ وَ مُسْتَحَبِّ بَرِ قِرَائَتِ اَن مَدَاوَمَتِ نَمَائِدِ، اِنْ شَاءَ اللّٰهُ خَدَاوَنِدِ اُو رَا بَا فَرَشْتَنگانِ وَ پِيَاْمَبْرَانِ
مَرْسَلَشِ دَر يَكِ صَفِ قَرَارِ خَوَاطِرِ دَادِ». ۲۸.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ الْحَاقَّةِ: اِمَامِ بَاقِرِ(ع) فَرْمُوْدَنْد: «سُوْرَةُ الْحَاقَّةِ رَا زِيَادِ بَخَوَانِيْدِ. هَمَانَا قِرَائَتِ
اَن دَر نَمَازِ هَايِ وَاجِبِ وَ مُسْتَحَبِّ جَزْئِي اَز اِيْمَانِ بِه خَدَا وَ رَسُوْلَشِ مِي بَاشَد. زِيْرَا هَمَانَا اَيْنِ
سُوْرَةَ فَقَطْ بَرَايِ اَمِيْرَالْمُؤْمِنِيْنِ(ع) وَ مَعَاوِيَةَ نَازِلِ گَرْدِيْدِ وَ خَوَانِنْدِه اَيْنِ سُوْرَةَ تَا رُوْزِ دِيْدَارِ
خَدَايِ عَزُوْجَلِ دِيْنِ خُوْدِ رَا اَز دَسْتِ نَخَوَاطِرِ دَادِ». ۲۹.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ مَدَثَرِ: اِمَامِ بَاقِرِ(ع) فَرْمُوْدَنْد: «كَسِي كِه دَر نَمَازِ وَاجِبِ سُوْرَةَ مَدَثَرِ رَا بَخَوَانِدِ،
بِه عَهْدِه خَدَا اَسْت كِه اُو رَا هَمْرَاهِ بَا حَضْرَتِ مُحَمَّدِ(ص) دَر دَرَجِه اُو قَرَارِ بَدَهْدِ وَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ
دَر زَنْدَگِي دُنْيَا هِيْجِ گَاهِ دِچَارِ بَدِ بَخْتِي نَخَوَاطِرِ شُدِ». ۳۰.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ بِيْنَه: اِمَامِ بَاقِرِ(ع) فَرْمُوْدَنْد: «كَسِي كِه سُوْرَةَ بِيْنَه رَا بَخَوَانِدِ، اَز شَرِكِ بِيْزَارِ
مِي بَاشَد؛ وَارِدِ دِيْنِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ(ص) خَوَاطِرِ شُد؛ خَدَايِ عَزُوْجَلِ اُو رَا مُؤْمِنِ بَرِ مِي اَنْگِيْزِدِ
وَ دَر حَسَابِ بَرِ اُو اَسَانِ مِي گِيْرِدِ». ۳۱.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ قَارِعَةِ: اِمَامِ بَاقِرِ(ع) فَرْمُوْدَنْد: «كَسِي كِه سُوْرَةَ قَارِعَةَ رَا زِيَادِ بَخَوَانِدِ، خَدَاوَنِدِ
عَزُوْجَلِ اُو رَا اَز فِتْنَه دِجَالِ وَ اِيْمَانِ بِه دِجَالِ وَ نِيْزِ دَر رُوْزِ قِيَامَتِ اَز چَرَكِ هَايِ جَهَنْمِ مَصُوْنِ
مِي دَارِدِ». ۳۲.

قِرَائَتِ سُوْرَةِ مَاعُوْنِ: اِمَامِ بَاقِرِ(ع) فَرْمُوْدَنْد: «كَسِي كِه سُوْرَةَ مَاعُوْنِ رَا دَر نَمَازِ هَايِ وَاجِبِ
وَ نَافَلِه بَخَوَانِدِ، اَز كَسَانِي خَوَاطِرِ بُوْد كِه خَدَاوَنِدِ نَمَازِ وَ رُوْزِه اَنهَآ رَا قَبُوْلِ مِي كَنْد وَ اَز اُو دَر
مُوْرِدِ كَارِهَائِي كِه دَر دُنْيَا اَنْجَامِ دَاْدِه اَسْت، حَسَابِ نَمِي كَشُدِ». ۳۳.

قرائت سوره هود: امام باقر(ع) فرمود: «هر کس سوره هود را در هر جمعه بخواند، خداوند او را در روز قیامت در صف پیامبران محشور می کند و حساب او آسان خواهد بود و در قیامت خطاهایی را که کرده نخواهد شناخت». ۳۴

قرائت سوره دخان: امام باقر(ع) فرمودند: «کسی که سوره دخان را در نمازهای واجب و مستحب بخواند، خداوند او را امان یافته و بر می انگیزد؛ در زیر عرش خود بر او سایه می افکند، در حساب و بر او آسان گرفته و نامه عملش را در دست راستش می دهد». ۳۵

فضایل سوره های قرآنی برای تشویق مردم به خواندن قرآن است و پاداش هایی که در این روایات ذکر شده، اگر از نظر سند درست باشد برای کسی است که این سوره ها را با تدبّر بخواند و به آنها عمل کند. شک نیست که در چنین حالتی انسان به آن درجه از ایمان و تقوا می رسد که شایسته هر نوع پاداشی می شود.

فهم قرآن:

مرحله بعد از قرائت قرآن، فهم آن است. فراگیری قرائت قرآن، و فهم مفاهیم آیات الهی، و عمل به کتاب عزیز حق، باعث سعادت دنیا و آخرت، و موجب سربلندی مسلمین نسبت به سایر ملل عالم است. اکتفای به قرائت قرآن هیچ کس و هیچ جامعه ای را به جایی نمی رساند، این فهم قرآن و عمل به دستورات الهی است که مرده را زنده، و بی جان را جاندار، و تاریک را نورانی می نماید. فهم قرآن چیزی فراتر از قرائت است. امام علی(ع) در این باره می فرماید: «و تعلموا القرآن فإنه أحسن الحديث و تفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب»؛ ۳۶؛ قرآن را فراگیرید که بهترین گفته هاست و در آن بیندیشید که بهار دل هاست.

۱. لزوم کسب صلاحیت در فهم و تفسیر قرآن: بدیهی است فهم قرآن و تفسیر آن در صلاحیت هر کسی نیست. چنان که فهم مطالب دقیق علمی در هر رشته و زمینه ای در صلاحیت هر کسی نیست. فهم معادلات پیچیده ریاضی یا دقایق سایر علوم، تنها در صلاحیت متخصصان آن علوم است و غیر متخصصان نه تنها از اظهار نظر درباره آنها عاجزند و اظهار نظر آنها فاقد هر گونه ارزش است.

در مورد فهم و تفسیر قرآن نیز اظهار نظر کسانی که با علوم و معارف دینی آشنا نیستند فاقد هر گونه ارزش و اعتباری است. هر چند قرآن به لسان بلیغ و آشکار نازل شده است تا مردم بفهمند و بدان عمل کنند؛ لکن چنان نیست که عمق معارف آن برای همگان در

یک سطح قابل فهم باشد. آنچه از قرآن برای عموم مردم قابل فهم است همان سطحی از معناست که خود قرآن می‌فرماید: «ما با بیانی روشن قرآن را نازل کردیم»؛ یعنی: قرآن به نحوی نازل شده است که هر کس با زبان و اصول و قواعد دستور زبان عربی آشنا باشد و روح بندگی بر او حاکم باشد می‌تواند از قرآن استفاده کند و در حد فکر و معرفت خود از آن بهره‌مند شود. اما رسیدن به عمق معانی و معارف قرآن نیاز به مقدمات و تعقل و تدبیر دارد. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (یوسف، ۲/۱۲)؛ ما آن را قرآن عربی فرستادیم تا شما آن را به خوبی درک کنید. به طور کلی آیاتی که انسان را به تدبیر و تعقل درباره قرآن و معارف آن فرا می‌خواند به ما می‌گوید به ظواهر قرآن اکتفا نکنید؛ بلکه با تدبیر و تعقل و با استفاده از معارف اهل بیت (ع) به عمق و دقایق معارف قرآن پی ببرید و از این گنجینه علم الهی بیش از پیش استفاده کنید.

بنابراین فهم قرآن و تفسیر معارف بلند آن، تنها در صلاحیت متخصصان و آشنایان به علوم اهل بیت است. چنان نیست که هر کس از گرد راه برسد حق اظهار نظر داشته باشد و بدون کمترین اطلاعی از معارف دینی و اصول و قواعد تبیین و تفسیر، بتواند به عنوان قرائت جدید درباره دین و احکام و معارف آن سخن بگوید.^{۳۷}

خداوند، امامان معصوم (ع) را گنجینه علوم خویش در زمین قرار داده است. و ائمه (ع) نیز به دنبال افراد پرظرفیتی اند که حقایق را به ایشان بازگو کنند. سلمة بن محرز می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: از جمله علمومی که به ما داده شده، تفسیر قرآن و احکام آن و علم تغییر زمان و ناگواری‌های آن است. هر گاه خدا برای قومی اراده خیر کند، آنها را می‌شنوایند و اگر آن را به گوش کسی برساند که نمی‌شنود، او روی برگرداند؛ چنان که گویی اصلاً نشنیده است، بعد امام لحظه‌ای خاموش ماند و سپس فرمود: ما اگر راز نگهدار یا فرد مورد اعتمادی می‌یافتیم، البته (حقایق را) می‌گفتیم و خداست که از او کمک می‌خواهند.^{۳۸}

اهل بیت (ع) در بهره‌گیری از قرآن و تفسیر آن از هر گونه خطا و لغزشی مصون بوده و کسانی را که بدون آشنایی به علوم قرآن و کسب مقدمات به تفسیر قرآن می‌پردازند را نهي نموده‌اند، از جمله در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خَوَّطَبَ بِهِ»^{۳۹}؛ کسی می‌تواند قرآن را بفهمد که مخاطب آن باشد. گرچه از ظاهر این روایت برمی‌آید که گروه خاصی مورد خطاب قرآن هستند، اما باید دقت داشت مراد از این فهم و شناخت، فهمی که برای عموم از ظاهر قرآن به دست می‌آید نیست بلکه فهم دقیق و عمیق بطون قرآن

و متشابهات آن، در اختیار مخاطبان واقعی قرآن یعنی پیامبر (ص) و معصومین (ع) می باشد. برخی به اخباریون نسبت داده اند که ایشان معتقدند فقط باید به ظواهر قرآن اکتفا نمود و این درحالی است که عده ای از علما این نسبت را نادرست می دانند. ۴۰ شبهات اخباریان مبنی بر حجیت ظواهر قرآن کریم به وسیله عالمانی بزرگ همچون مرحوم وحید بهبهانی، میرزای قمی و شیخ انصاری به تفصیل پاسخ داده شده است. مرحوم محقق قمی می گوید: «این روایات که اخباریان، انحصار فهم قرآن به معصومین (ع) را از آن فهمیده اند ظاهر یا صریح است که مراد علم به همه ظاهر و باطن و تنزیل و تاویل قرآن است و این امری مسلم و مورد قبول است و اگر چنین مدعایی در اخبار صریح و صحیح نیز آمده باشد، یا باید آن را توجیه کرد و یا علم آن را به اهلش وا گذاشت، لیکن چنین اخباری نیست». ۴۱

۲. مراتب مختلف معنا و فهم معارف قرآن: قرآن کریم با وجود «بیان للناس» بودنش، دارای مراتب و درجاتی در حقایق و معارف است که هر کسی را قادر به درک تمام این معارف نیست.

الف: ظاهر و باطن قرآن: در بسیاری از روایات، این مضمون به چشم می خورد که قرآن ظاهر و باطنی دارد و هر کس قادر بر فهم عمق و باطن معارف قرآن نیست. چنان که قبلا اشاره شد قرآن دریای عمیق و بی کرانی است که هر کس به مقدار توانایی و قدرت شناوری خود از آن گوهر معرفت صید می کند و به مقدار ظرفیت و استعداد خویش، از ظواهر قرآن پای فراتر گذاشته، به عمق معارف آن راه پیدا می کند و از یک آیه مطالب گوناگونی در طول هم و بدون این که مطالب مذکور کمترین تعارض و تناقضی با یکدیگر داشته باشند، استفاده می کند و این خود از معجزات قرآن کریم است. به عنوان مثال قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵/۳۵)؛ ای مردم! شما نیازمند به خدا هستید و او از هر نظر بی نیاز و شایسته حمد و ستایش است. ظاهر آیه و فهم عموم مردم از آن، بیانگر این است که شما به خدای متعال نیازمندید و خدای متعال بی نیاز و شایسته حمد است. لکن چنین نیست که عمیق تر از این فهم عمومی، اشاره به مطلب دقیق تری نداشته باشد و از طرف دیگر، چنان که قرآن سفارش می کند، در هنگام مواجهه با آیات قرآن در آنها تدبر و تعقل نماید به نکته هایی دقیق تر و عمیق تر از ظواهر آیات پی خواهد برد. اگر در این آیه کمی عمیق تر بیندیشیم، فقر و نیازمندی خود را به خدای متعال، فراتر از خوراک و پوشاک و بهداشت و امکانات مادی

می بینیم . ما در اصل وجود و بالذات نیازمند و فقیریم و خدای متعال غنی با لذات است . بدیهی است نگاه دوم عمیق تر از نگاه اول است . در این جا معنای اول ، ظاهر و معنای دوم باطن محسوب می شود .

معنای عمیق تر از معنای دوم این است که بگوییم شما - انسان ها - نه تنها در اصل وجود فقیر و نیازمندید بلکه عین نیاز و سر تا پا احتیاج هستید . وجود و هستی شما عین ربط به خدای متعال است . البته درک حقیقت این معنای سوم ، از حد فهم های عادی خارج است .

به هر حال ، باید توجه داشت که این سه معنا و تفسیر از این آیه ، در طول یکدیگرند و در عین حال که هر سه معنا و تفسیر درست و صحیح است ، هیچ کدام منافی دیگری نیست ؛ لکن از نظر عمق ، معانی مذکور در یک سطح قرار ندارند و چنان نیست که تمام مراتب قرآن برای همه قابل درک باشد و همه افراد قدرت و استعداد فهم تمام مراتب و بطون قرآن را داشته باشند . البته مقصود از بیان فوق تقریب مطلبی است که در بعضی از روایات وارد شده است ، مبنی بر این که قرآن دارای ظاهر و باطنی است . ۴۲ سخن از ظاهر و باطن قرآن در بیانات امام باقر (ع) نیز آمده است آن جا که به جابر بن یزید جعفری فرمود : «یا جابر إن للقرآن بطناً وللبطن بطناً وله ظهر و للظهر ظهر» ۴۳ ؛ ای جابر! برای قرآن بطنی است و برای بطن آن نیز بطنی است و برای آن ظاهری است و برای ظاهر آن نیز ظاهری است . ۴۴ بنابراین قرآن کتاب و نوشته معمولی نیست که همه انسان ها قادر به درک تمام معنا و معارف آن باشند .

ب : استناد به قرآن در مناظرات و مباحثات : پس از رسول خدا (ص) ، ظاهر قرآن ، به عنوان منبع اصلی شناخت مسایل عقیدتی و عبادی و سیاسی ، در جامعه اسلامی باقی ماند ، اما از آن جا که این منبع ژرف نیاز به مفسرانی آشنا با پیام وحی داشت و دست های سیاست ، این مفسران واقعی یعنی اهل بیت (ع) را در جامعه منزوی ساخته بود ، با گذشت زمان ، نیازهای اعتقادی و پرسش های عبادی و مسایل مستحدث یکی پس از دیگری رخ نمود و کسانی که در جامعه به عنوان عالم و محدث شناخته می شدند ، ناگزیر باید جوابی را برای هر پرسش و مسأله تدارک می دیدند . عدم احاطه کامل آنان بر مجموعه معارف قرآنی از یک سو ، و عدم آشنایی آنان با فرهنگ ویژه وحی از سوی دیگر ، سبب گردید تا با قیاس و توجیه گری و استحسان و تکیه بر آرای شخصی و گاه احادیث بی ریشه و اقوال بی اساس ،

عقیده‌ای را ابراز کرده و یا فتوایی دهند. بنابراین، یکی از راه‌های اساسی مبارزه با این مشکل، بازگرداندن مردم به قرآن و هشدار دادن آنان نسبت به آرای ساختگی و غیر مستند به وحی بود. امام باقر(ع) در این راستا می‌فرماید: «هر گاه من حدیث و سخنی برای شما گفتم، ریشه و مستند قرآنی آن را از من جو یا شوید». سپس آن حضرت در برخی سخنانش فرمود: «پیامبر(ص) از قیل و قال - بگو مگو و مشاجرہ - و هدر دادن و تباه ساختن اموال و پرس و جوی زیاد، نهی کرده است». به آن حضرت گفته شد: این مطالب در کجای قرآن آمده است؟ امام باقر(ع) فرمود: در قرآن آمده است: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» (النساء، ۴/۱۱۴)؛ در بسیاری از صحبت‌های درگوشی آن‌ها خیر نیست مگر آن‌که کسی به صدق یا نیکی و یا اصلاح میان مردم فرمان دهد.

این آیه دلالت می‌کند که بیشتر سخنان نجوایی و به درازا کشیده فاقد ارزش است، مگر سخنی که در آن امر به انفاق یا کار نیک و یا اصلاح میان مردم باشد. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَاذْكُرُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (النساء، ۴/۵)؛ و اموال خود را که خداوند مایه برپایی زندگی شما قرار داده به سفیهان ندهید و از آن مال آنان را بخورانید و بپوشانید و به آنان سخنی پسندیده بگویید.

از این آیه استفاده می‌شود که اموال را نباید در معرض نابودی و تباهی قرارداد.

امام باقر(ع) با این شیوه، در صدد بود تا روحیه قرآن‌گرایی را در میان اهل دانش و جامعه اسلامی تقویت نماید، و از این طریق انحراف بینش‌های سطحی و عالم‌نمایان خود محور را به مردم یادآور شود. نیز در حدیثی آمده، حسن بصری نزد امام باقر(ع) آمد و گفت: آمده‌ام تا مطالبی درباره قرآن از شما پرسم، امام فرمود: «آیا تو فقیه اهل بصره نیستی؟» پاسخ داد: این چنین گفته می‌شود. امام فرمود: «آیا در بصره شخصی هست که تو مسایل و احکام را از او دریافت کنی؟» پاسخ داد: خیر. امام فرمود: «بنابراین، همه مردم بصره، مسائل دین‌شان را از تو می‌گیرند؟» گفت: آری. امام باقر(ع) فرمود: «سبحان الله! مسؤولیت بزرگی رابه گردن گرفته‌ای. از جانب تو سخنی برایم نقل کرده‌اند که نمی‌دانم واقعا تو آن را گفته‌ای یا بر تو دروغ بسته‌اند». حسن بصری گفت: آن سخن چیست؟ امام(ع) فرمود: «مردم گمان کرده‌اند که تو معتقدی خداوند امور بندگان را به خود آنان تفویض کرده است!». حسن بصری سکوت اختیار کرده و هیچ نمی‌گفت! امام باقر(ع) برای این که وی را به ریشه اشتباهش متوجه سازد و بنمایاند که عامل اصلی کج فهمی او، ناتوانی در فهم معارف قرآن

است، برایش نمونه‌ای روشن آورد و گفت: «اگر خداوند در قرآنش به کسی ایمنی داده باشد، آیا به راستی پس از این ایمنی تضمین شده از سوی خدا، بر او ترسی هست؟». حسن بصری گفت: خیر، ترسی بر او نخواهد بود. امام باقر(ع) فرمود: «اکنون آیه‌ای را برایت می‌خوانم و سخنی با تو دارم، من گمان نمی‌کنم که آن آیه را به گونه صحیح تفسیر کرده باشی، و اگر غلط تفسیر کرده‌ای، هم خودت را هلاک کرده‌ای و هم پیروانت را. آن آیه این است: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ» [سبأ، ۱۸/۳۴]؛ میان آنها و سرزمین‌هایی که برکت داده بودیم شهرها و آبادی‌های آشکار قرار دادیم، و فاصله‌های متناسب و نزدیک مقرر داشتیم - و به آنها گفتیم - شب‌ها و روزها در این آبادی‌ها در امنیت کامل مسافرت کنید]. شنیده‌ام که گفته‌ای مراد از سرزمین مبارک و امن، سرزمین مکه است. آیا کسانی که برای حج به مکه سفر می‌کنند مورد هجوم راهزنان قرار نمی‌گیرند و در مسیر آن هیچ ترسی ندارند و اموالشان را از دست نمی‌دهند؟». حسن بصری گفت: چرا. امام فرمود: «پس چگونه ایمن هستند و امنیت دارند؟! این آیه مثالی است که خداوند درباره ما اهل بیت رسالت، بیان داشته است. ما سرزمین مبارکیم و سرزمین‌های آشکار «قری ظاهرة» نمایندگان و فقهای پیرو ما هستند که میان ما و شیعیان مان قرار دارند و مطالب ما را به آنان می‌رسانند.

هر گاه مردم از این طریق معارف دین را دریافت کنند، ایمن از شک و گمراهی اند... ای حسن بصری! اگر به تو بگویم جاهل اهل بصره‌ای! سخنی به گزاف نگفته‌ام، از اعتقاد به تفویض، اجتناب کن، زیرا خداوند به دلیل ضعف و سستی، تمام کارخلاق را به ایشان وا نهاده و از سوی دیگر ایشان را به ناروا بر گناهان مجبورنساخته است». نظیر چنین مباحثه‌ای از امام باقر(ع) با قتادة بن دعامة نیز نقل شده است. ۴۵

ج: تبیین مسائل فقهی با آیات قرآن: امام باقر(ع) نحوه استفاده فقهی از ظاهر قرآن را به افراد تعلیم می‌داد و مسائل فقهی را به واسطه قرآن تبیین می‌نمود. مانند پاسخ آن حضرت به سؤال زرارة در مورد کفایت مسح مقداری از سر و پا: «ألا تخبرني من أين قلت إن المسح ببعض الرأس وبعض الرجلين؟ فقال: «قال رسول الله (ص): و نزل به الكتاب من الله سبحانه قال: «فَاعْسَلُوا وُجُوهَكُمْ» فعرفنا أن الوجه كله يجب أن يغسل، ثم قال: «وَأَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» ثم فصل بين الكلامين، فقال: «وَأَمْسَحُوا بِرءُوسِكُمْ» فعرفنا أن المسح ببعض الرأس لمكان «الباء»، ثم وصل الرجلين بالرأس كما وصل اليدين بالوجه فقال: «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى

الْكَعْبَيْنِ»، فعرفنا حين وصلهما بالرأس أن المسح ببعضهما، ثم فسّر ذلك رسول الله (ص) للناس فضيّعوه^{٤٦}؛ عرضه داشتیم: از کجا فهمیدی که فرمودی: مسح به پاره‌ای از سرو پاره‌ای از پاها واجب است نه بر همه آن دو؟ فرمود: «هم رسول خدا (ص) بیان کرده وهم کتاب خدا طبق آن نازل شده، برای این که خدای عزوجل می فرماید: «فَاعْسَلُوا وُجُوهَكُمْ» که از آن می فهمیم همه صورت باید شسته شود، آن گاه فرموده: «وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» که با او عاطفه دست‌ها تا مرفق را متصل به وجه فرموده، و از این اتصال می فهمیم که دو دست تا مرفق نیز همه اش باید شسته شود، آن گاه با آوردن فعلی دیگر بین کلام فاصله انداخته فرموده: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ»، که از این فاصله انداختن و از حرف «با» در «بِرُءُوسِكُمْ» می فهمیم، که مسح به بعض سر واجب است و چون با آوردن او عاطفه پاها را وصل به سر کرده و فرمود: «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» می فهمیم مسح بر بعض پاها واجب است. از سوی دیگر رسول خدا (ص) این آیه را برای مردم تفسیر فرمود، لیکن مردم تفسیر آن جناب را ضایع کرده کردند^{٤٧}.

در واقع استدلال به قرآن و توجیه مردم با آیات و تبیین احکام آن، دعوت به فهم قرآن است؛ زیرا اگر فهم قرآن کریم از مردم سلب شده بود هرگز معصومین (ع) شاگردان و مخاطبان خود را به قرآن ارجاع نمی دادند، بلکه به آنها می گفتند: ما امام و حجت حق بر شما هستیم و آنچه به قرآن کریم اسناد می دهیم - حتی در حد ظواهر و تفسیر - شما باید آن را بپذیرید و حق سؤال نیز ندارید^{٤٨}.

عمل به قرآن

همان طور که اشاره شد قرآن تنها کتاب قرائت نیست، بلکه کتاب فهم و عمل نیز می باشد که به این مطلب در اغلب روایات مربوط به قرآن اشاره شده است.

۱. شرایط نیکویی عمل: انجام یک عمل صالح همانند عمل به قرآن، شرایطی را می طلبد. از جمله این شرایط کیفیت و استمرار آن عمل است. یکی از شرایط مهم حسن اجرای عمل، چگونگی و نحوه عمل که همان انجام فرامین الهی به شکل درست است، می باشد. از دیگر شرایط، مداومت و به انجام رساندن آن است و گرنه کار متقن با کیفیت اگر نیمه تمام باشد، نتیجه مورد نظر از آن حاصل نمی شود. بدیهی است که برای استمرار عمل باید در مقابل سختی‌ها و موانع مقاومت نمود. اگر با سست عنصری و عدم اراده قوی، استقامت در کارها نیاید، کارها بریده، ناقص و بی سرانجام خواهد بود. در قرآن

می فرماید: «وَأَلِّقُوا اسْتِقَامًا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقِيَانَا هُمْ مَاءً عَدْلًا» (الجن، ۷۲/۱۶)؛ و اگر آنها - جن و انس - برطریقه - ایمان - استقامت ورزند ما آنها را با آب فراوان سیراب می کنیم.

امام باقر (ع) در قسمتی از حدیث می فرماید: «الإبقاء على العمل أشد من العمل»^{۴۹}؛ پای کار بودن و در انجام آن تا آخر ماندن بسی سخت تر از شروع کار است.

مداومت بر عمل اندک امید نتیجه را به همراه خود دارد، اما عمل غیرمستمری که یکباره به فراوانی صورت گیرد، قابل اعتماد و امید بستن نیست. در حدیثی دیگر می فرماید: «أحب الأعمال إلى الله عز وجل مداوم عليه العبد وإن قل»^{۵۰}؛ محبوب ترین کارهای خوب نزد خداوند، آن است که همیشه انجام شود، اگر چه کم باشد.

از مضمون روایت امام باقر (ع) فهمیده می شود که دوام برعمل برای خداوند بسیار محبوب است و چه بسیار خوب است که این عمل، عمل به قرآن و دستورات آن باشد که مسلماً این کار برای خداوند محبوب تر است زیرا قرآن برنامه حرکت انسان به سوی پروردگار است. بنابراین مداومت بر تلاوت قرآن و عمل به آن به کیفیت صحیح مورد رضایت باری تعالی می باشد.

۲. **ضرورت عمل به قرآن**: هر چند قرآن کریم با هیچ چیزی قابل مقایسه و تشبیه نیست، اما بنا به ضرورت و به منظور نزدیک شدن به ذهن می توان آن را به نسخه پزشک تشبیه کرد. به عنوان مثال، فرد بیمار برای درمان نزد پزشک می رود و پزشک برای او نسخه ای می نویسد، آن گاه برای گرفتن دارو به داروخانه می رود. حال این پرسش پیش می آید که آیا صرف خواندن و دانستن نسخه و پی بردن به خواص داروها برای خوب شدن کافی است؟ به یقین پاسخ این خواهد بود که اقدام های یادشده، مقدمه است و برای نیل به سلامتی باید به دستور پزشک عمل کرد و از مواردی که منع کرده، پرهیز نمود.

قرآن کریم نیز چنین است و باید به فرمان ها و بازداشتن های آن عمل کرده، تمام دستورات آن را در زندگی خود به کار گرفت تا به سعادت دو جهان دست یافت. بنابراین، قرآن پذیری و عمل به آن پس از خواندن و فهمیدن، قرار دارد و البته اهمیت عمل به قرآن بارها و بارها در روایات اهل بیت (ع) آمده است.^{۵۱}

ضرورت عمل به قرآن را در بخشی از حدیث منقول از امام باقر (ع) می توان به خوبی استنباط نمود آن جا که می فرماید: «أبلغ شيعتنا أنه لا ينال ما عند الله إلا بعمل»^{۵۲}؛ به شیعیان ما بگو که هیچ کس به مواهب و رحمت های الهی نمی رسد مگر با عمل.

این گفتار امام باقر(ع) پاسخی است به آنها که تصور می کنند تنها به عنوان قبول نام تشیع و ابراز عشق به خاندان پیغمبر(ص) می توانند بزرگ ترین مقام را در پیشگاه خدا داشته باشند، در حالی که می دانیم اساس اسلام روی عمل گذاشته شده و شیعیان واقعی آنها هستند که برنامه عملی آنان اقتباسی است از برنامه های عملی علی(ع) و یارانش و اصولاً تشیع از ماده مشایعت به معنای گام برداشت پشت سر کسی است. بنابر این آنها شیعه واقعی خاندان پیغمبرند که پشت سر آنها گام بر می دارند. ۵۳

پیروی از دستورات قرآن مساوی عمل به قرآن است که در روایات اهل بیت(ع)، از جمله سخنان امام باقر(ع) فراوان به آن اشاره شده است. امام محمد باقر(ع) به جعفر جعفری فرمود: «بدان؛ آن وقت از دوستان ما می شوی که اگر تمام مردم یک شهر بگویند: تو آدم بدی هستی، گفتار آنان تو را اندوهگین نکند و اگر همه آنها گفتند: تو آدم خوبی هستی، باز سخن آنان خوشحالت ننماید؛ بلکه خودت را به کتاب خدا، عرضه کن. اگر دیدی به دستورات قرآن عمل می کنی، آنچه را که دستور داده ترک بکن، ترک می کنی و آنچه را که خواسته، با میل و علاقه انجام می دهی و از مجازات هایی که در قرآن آمده ترسناکی، در راه و روش خود پابرجا و بردبار باش؛ زیرا در این صورت گفتار مردم به تو زیانی نمی رساند، ولی چنانچه از پیروان کتاب خدا نباشی و رفتارت ضد دستورات قرآن باشد آنگاه چه چیز تو را از خودت غافل می کند. باید در اندیشه نجات خویشتن باشی، نه در فکر گفتار دیگران» ۵۴. همچنین در خود قرآن نیز در موارد متعددی به آیاتی برمی خوریم که یهود را به پیروی از قرآن فرا می خواند، در یکی از این آیات می خوانیم: «وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونَ» (البقرة، ۴۱/۲)؛ به آنچه نازل کرده ام - قرآن - ایمان آورید که تأیید و تصدیق کننده کتابی است که شما با آن سروکار دارید - توارت - و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید و تنها در برابر من تقوا پیشه سازید.

از امام باقر(ع) درباره این آیه روایت شده است: «کان حیی بن اخطب وکعب بن الأشرف و آخرون من اليهود لهم مأکلة علی اليهود فی کل سنة فکرهاوا بطلانها بأمر النبی(ص) فحرقوا لذلك آیات من التوراة فیها صفتة» ۵۵؛ برای حیی بن اخطب و کعب بن اشرف و گروهی دیگر از عالمان یهود، هر ساله مجلس میهمانی بسیار مجللی از طرف یهودیان ترتیب داده می شد. این افراد راضی نبودند، با تصدیق و تأیید قرآن، آن منافع را از دست بدهند. به همین

جهت تورات را تحریف کرده، آیاتی از آن را، که در زمینه اوصاف پیامبر اسلام (ص) بود، به بهای ناچیز - مجالس و یا پول‌هایی که به جیب آنها سرازیر می‌شد - فروختند.

همان طور می‌دانیم که روحیه سرکشی و نافرمانی از دستورهای الهی و علاقه شدید به مال دنیا از ویژگی‌های یهود بود و آیاتی از قرآن بدانها اشاره کرده است، ماهی‌گیری در شنبه یکی از مظاهر این علاقه است: خداوند به یهود فرمان داده بود روز شنبه را تعطیل کنند؛ اما گروهی از آنها که کنار دریا می‌زیستند و مشمول حکم الهی بودند، دلشان نمی‌آمد آن روز از ماهی‌های فراوان و چشمگیر بگذرند. اتفاقاً روزهای شنبه ماهی‌های بیشتری می‌آمد. آنها با ترفند و حيله گری روز شنبه نیز ماهی‌گیری می‌کردند تا آن که عذاب خدا آنها را فرا گرفت. در همین زمینه در قرآن چنین می‌خوانیم: «وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ» (البقرة، ۶۵/۲)؛ قطعاً حال کسانی (یهودیانی) که در روز شنبه نافرمانی کردند، دانستید. (و نیز به عذاب ما آگاه شدید که) به آنها گفتیم: همچون بوزینگان طرد شده در آید و آنها چنین شدند.

در آیه بعد می‌فرماید: «فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (البقرة، ۶۶)؛ ما این جریان را مجازات و درس عبرتی برای پیش روی آن واقعه «مَا بَيْنَ يَدَيْهَا» و پشت آن «مَا خَلْفَهَا» قرار دادیم.

امام باقر(ع) در توضیح مابین یدیهها و ماخلفها می‌فرماید: مقصود از «مَا بَيْنَ يَدَيْهَا»، نسل آن زمان و مراد از «مَا خَلْفَهَا» ما مسلمانان هستیم. یعنی این درس عبرت مخصوص بنی اسرائیل نبود و همه انسان‌ها را شامل می‌شود. ۵۶ بدون شک سخنان معصومان و ائمه اطهار(ع) همواره روشنگر معنای آیات نورانی قرآن کریم بوده است. امام باقر(ع) با شرح آیه، لزوم پیروی از دستورات قرآن را هم برای گذشتگان و هم برای آیندگان تشریح می‌نماید. ۳. برترین اعمال: عمل به دستورات قرآن از بهترین عمل‌ها معرفی شده است از جمله در حدیثی از امام باقر(ع) که می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عَمِلَ بِالسَّنَةِ وَإِنْ قَلَّ» ۵۷؛ همانا با فضیلت‌ترین عمل‌ها در پیشگاه خداوند متعال آن عملی است که طبق سنت پیامبر انجام گیرد، گرچه اندک و ناچیز باشد.

بدیهی است که در این حدیث عمل به قرآن در ردیف عمل به سنت پیامبر و اهل بیت(ع) قرار دارد. بنابر این با توجه به این مسأله اهمیت عمل به قرآن معلوم می‌شود.

ب: اعجاز قرآن و سلامت آن از تحریف و باطل

امام محمد باقر(ع) آن شکافنده علوم، یکی از جنبه های اعجاز قرآن را همان جامعیت و شمول آن می داند که در برگیرنده همه مطالب لازم، گرانها و بی نظیر می باشد. ایشان چنین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدْعُ شَيْئاً تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْاُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدُوداً وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلاً يَدُلُّ عَلَيْهِ»^{۵۸}؛ خداوند از هیچ امری که مورد نیاز امت تا روز قیامت بوده است، فرو گذار ننموده است، مگر آن که آن را در کتابش فرو فرستاده و برای پیامبرش(ص) بیان داشته است. خداوند برای هر چیزی، حدی قرار داده و برای آن راهنمایی که براو دلالت نماید.

حضرت در بخش دیگری از کلام خود در این زمینه، به جاودانگی و پویایی قرآن در همه زمان ها اشاره می کند: «و لو أَنَّ الْاَيَّةَ اِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ اَوْلَاكُ الْقَوْمِ مَاتَتِ الْاَيَّةُ، لَمَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ و لَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي اَوَّلُهُ عَلٰى اٰخِرِهِ، مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ»^{۵۹}؛ اگر هر آیه ای از قرآن هنگامی که در مورد قومی، نازل می شد و آن قوم سپس می مردند، آن آیه هم بی اثر می شد، از قرآن چیزی باقی نمی ماند. بلکه قرآن تا زمانی که آسمان و زمین برپاست اولش با آخرش مرتبط است. در روایت مذکور امام باقر(ع) با این گفتار خود رمز اعجاز قرآن را بدین گونه شرح می دهد که این کتاب آسمانی با گذر زمان فرسوده و کهنه نمی شود و همواره مطالب آن در همه اعصار نو، زنده و کارا می باشد.

علمای شیعه معتقدند قرآن از هر گونه تحریفی، چه تحریف به زیادی و چه تحریف به کاستی مصون است. و قرآن کنونی همان قرآن زمان پیامبر(ص) است. این اعتقاد شیعه مبتنی بر دلایل عقلی و نقلی می باشد که در این مقاله فرصت پرداختن به همه آنها نیست و به مختصری از آن بسنده می شود. قرآن کریم از گزند تحریف و نابودی در امان نمانده است مگر به پشتوانه دانش، تلاش، جان نثاری ها و حمایت های اهل بیت(ع). علامه بلاغی عالم بزرگوار متوفی -۱۳۵۲- معتقد است که قرآن سالم از تحریف مانده است و روایات تحریف در صورت اغماض از سندهای شانها غالباً ضعیف و یا مربوط به تحریف معنوی هستند و به ذکر روایتی به سند کلینی^{۶۰} از امام باقر(ع) در این باره اشاره می کند: «أَنَّ كِتَابَ اِلٰى سَعْدِ الْخَيْرِ كِتَاباً اَوْصَاهُ بِتَقْوٰى اللّٰهِ اِلٰى اَنْ قَالَ: «و كَانَ مِنْ نَبْذِهِمُ الْكِتَابُ اَنْ اَقَامُوا حُرُوفَهُ وَ حَرَفُوا حُدُودَهُ فَهَمَّ يَرُوْنَهُ وَ لَا يَرَعُوْنَهُ»^{۶۱}؛ نشانه پشت سر انداختن کتاب

توسط آنان، این بود که حروف آن را نگاه داشتند، ولی حدودش را تحریف نمودند. آنان کتاب را در حالی که روایت می کنند رعایت نمی کنند.

در این جا مقصود از تحریف، تحریف لفظی نیست بلکه منظور از آن تحریف معنوی است، زیرا اندیشمندان مسلمان غالباً تحریف لفظی را قبول نداشتند. اندیشمندان مسلمان و قرآن پژوهان برای اثبات تحریف ناپذیری قرآن، به دلایل متعدد نقلی - آیات و احادیث معصومان (ع) -، عقلی، شواهد تاریخی و... استناد نموده اند. از جمله دلایل قرآنی آیه نفی باطل است که به شرح زیر است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت، ۴۱/۴۲)؛ که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید، چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.

بی شک مقصود از واژه «ذکر و کتاب» در این آیه و آیه ماقبل آن، قرآن مجید است که به اوصاف «عزیز»، «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» و «تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ» توصیف شده است. خداوند با عبارت «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» هر نوع تغییر و تبدیلی را در قرآن نفی می کند. ۶۲

مدعیان تحریف گفته اند که: مقصود از این آیه صیانت قرآن از تناقض و کذب است نه پیش از آن، و نه بعد از آن و لذا در روایت امام باقر (ع) آمده است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ قَبْلِ التَّوْرَةِ، وَلَا مِنْ قَبْلِ الْإِنْجِيلِ، وَالزَّبُورِ، وَلَا مِنْ خَلْفِهِ أَيْ لَا يَأْتِيهِ مِنْ بَعْدِهِ كِتَابٌ يَبْطُلُهُ». که پاسخ داده شده، آیه شریفه منحصر بر نفی باطل از تناقض نیست، بلکه آیه عام است و قرآن از هر گونه باطل هم چون تحریف و تغییر مصون مانده است. ۶۳

ج: مجاز در قرآن

مجازات قرآن، دانشی است که درباره الفاظ مجازی قرآن بحث می کند. استعمال مجاز در لغت عرب در قالب اسناد مجازی شهرت داشته و از زیبایی های زبان عربی به شمار می رود. نمونه های متنوعی از مجاز در آیات قرآن کریم فراوان به کار رفته است. به نمونه ای از آن اشاره می کنیم:

مانند این قول خداوند که می فرماید: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (ص، ۳۸/۷۵)؛ گفت: ای ابلیس چه چیز مانع تو از سجده کردن بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم گردید؟ آیا تکبر کردی، یا از برترین بودی. محمد بن مسلم از امام باقر (ع) درباره این آیه سؤال نمود، امام فرمود: «ید» در زبان

عربی به معنای قدرت و نعمت است و این آیه را به عنوان شاهد ذکر نمود: «اصْبِرْ عَلٰی مَا يَأْتِيَنَّكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَادْكُرْ عَبْدًا دَاوُدَ ذَا الْاَيْدِ اِنَّهُ اَوْابٌ» (ص، ۱۷/۳۸)؛ در برابر آنچه می گویند شکمیا باش، و به خاطر بیاور بنده ما داود صاحب قدرت و توبه کار را. ذالاید، یعنی با قدرت. مبنی بر این که کلمه «ید» مشترک لفظی است، هم در معنای حقیقی و هم در معنای مجازی می تواند به کار رود که در این آیه در معنی حقیقی آن استعمال نشده بلکه در معنی مجازی آن به کار رفته است. ۶۴

نتیجه گیری

بنابر آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که رسول خدا و ائمه طاهرین (ع) در دو بست و شصت و هشت سالی که بین مردم بودند، همّت خود را صرف تعلیم قرائت و فهم آیات و زمینه سازی برای عمل به قرآن مجید نمودند. یکی از این منظومه نورانی امام باقر (ع) است که با بیاناتی که در باره قرآن از ایشان نقل شد، این حقیقت روشن می شود که ایشان در رعایت حق قرآن، اسوه و سرآمد بود. روایاتی درباره قرائت زیبا، سکوت به هنگام قرائت، فضایل قرائت قرآن که بیشترین موارد قرائت را به خود اختصاص داده وارد شده که اهمیت موضوع را نشان می دهد. قرائتی که مورد توجه امام باقر (ع) می باشد قرائتی است واقعی که متواتر و از جانب رسول خدا (ص) باشد. قرآن پذیری و عمل به آن پس از خواندن و فهم آن قرار دارد. البته اهمیت عمل به قرآن بارها و بارها در روایات امام باقر (ع) آمده است و در ردیف عمل به سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) قرار دارد. قرآن کریم از گزند تحریف در امان نمانده است مگر به پشتوانه دانش، تلاش و حمایت های اهل بیت (ع). امام باقر (ع) بانفی باطل از قرآن، آن را از هر گونه تغییر و تحریفی منزّه نموده است. مجازات قرآن، نیز دانشی است که درباره الفاظ مجازی قرآن بحث می کند. امام باقر (ع) در مسیر تفسیر قرآن، واژه هایی را که در غیر معنای حقیقی خود به کار رفته اند نیز تبیین نموده و معانی واقعی آن ها را روشن کرده اند.

۱. نگاهی بر زندگی دوازده امام (ع) / علامه حلی / ترجمه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان / ۱.

محمد محمدی اشتهاردی. ۳. یونس، ۱۰۹/۱۶؛ الانفال، ۲/۷۵ و ۳۱؛ العنکبوت،

۲. برنال اندیشه / مرکز علمی-تحقیقاتی دارالعرفان / پایگاه ۵۱/۲۹

۴. مفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ۱/۱۶۷.
۵. بریال اندیشه/۱.
۶. بصائر الدرجات، ۲۱۶.
۷. الکافی، ۲/۶۳۰.
۸. همان/ ۵۹۳-۵۹۴.
۹. همان/۵۹۳.
۱۰. نزول قرآن و رؤیای هفت حرف/ ۱۱.
۱۱. همان/۱۳.
۱۲. در قدیم معمول بود که اشخاص مشک به دوش می گرفتند و می رفتند از چاه‌های آب بکشند و به منازل ببرند.
۱۳. حماسه حسینی، شهید مطهری، ۱/۲۲۴.
۱۴. سیرة الامام الباقر(ع)، شاکری/۳۲۸.
۱۵. تفسیر عیاشی، ۲/۲۹۵.
۱۶. نماز راز دوست/رستمی/ ۱۱.
۱۷. تفسیر نمونه، ۷/۷۱.
۱۸. جامع احادیث الشيعة، ۱۵/۱۶۲/باب حکم الانصات و الاستماع إذا قرء القرآن.
۱۹. تفسیر نور، قرائتی، ۴/۲۶۱.
۲۰. الکافی، ۲/۶۲۷.
۲۱. تفسیر نور، ۴/۲۶۱.
۲۲. کشف الغطاء، ۲/۳۰۲.
۲۳. الکافی، ۲/۶۱۲.
۲۴. ثواب الأعمال، شیخ الصدوق/ ۱۱.
۲۵. عدة الداعي/ ۲۸۱.
۲۶. الأمالی، شیخ الصدوق/ ۱۱۵.
۲۷. برگزیده تفسیر نمونه، بابایی، ۴/۵۵۶.
۲۸. پاداش و مجازات گزیده‌ای از کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ ۱۶.
۲۹. همان/ ۱۹.
۳۰. همان/ ۲۱.
۳۱. همان/ ۶.
۳۲. همان/ ۸.
۳۳. همان/ ۱۰.
۳۴. همان/ ۱۵.
۳۵. همان/ ۹.
۳۶. تعلیم و تربیت در نهج البلاغه.
۳۷. قرآن درآینه نهج البلاغه/ ۲.
۳۸. تفسیر تسنیم قرآن کریم، ۱/۱۸.
۳۹. بحار الأنوار/۴۶ و ۳۴۹/باب ۲/حدیث ۲.
۴۰. آیه الله معرفت این نسبت به اخباریون را نادرست می داند و اعتقاد برخی از آنها را مانند مرحوم استرآبادی بیان می کند که ایشان هیچ گاه معتقد به عدم حجیت ظواهر نیست؛ التفسیر و المفسرون، ۱/۸۸.
۴۱. تفسیر تسنیم قرآن کریم، ۱/۱۸.
۴۲. قرآن در آینه نهج البلاغه/ ۲.
۴۳. المحاسن البرقی، ۲/۳۰۰.
۴۴. کوثر، جعفری، ۶/۸۷.
۴۵. زندگی سیاسی امام باقر(ع)، ترابی/ ۹۴.
۴۶. المعتمر، محقق الحلی، ۱/۱۴۹-۱۵۰.
۴۷. المیزان، ۵/۳۷.
۴۸. تفسیر تسنیم، ۱/۲۵.
۴۹. جواهر الکلام، ۹/۱۹۰.
۵۰. الکافی، ۲/۸۲.
۵۱. رمضان و شیوه بندگی/ ۱.
۵۲. الکافی، ۲/۳۰۰.
۵۳. یکصد و پنجاه درس زندگی/ ۸۷.
۵۴. داستانهای بحار الانوار، ۵/۱۸.
۵۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱/۲۱۰.
۵۶. در سایه قرآن، جعفری.
۵۷. الکافی، ۱/۷۰.
۵۸. بحار الأنوار، ۸۹/۸۴.
۵۹. تفسیر عیاشی، ۱/۱۰.
۶۰. الکافی، ۱/۶۳۱-۶۳۲.
۶۱. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱/۲۵.
۶۲. مقاله «تحریف پذیری و یا تحریف ناپذیری الفاظ قرآن و کتاب مقدس»، شمخنی، نشریه قرآنی بینات، سال هیجدهم، شماره ۳، پاییز ۹۰.
۶۳. البیان فی تفسیر القرآن/ ۲۱۰.
۶۴. سیرة الامام الباقر(ع)/۳۳۰.